

نام : ندا

نام خانوادگی: مرادپوردزفولی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته و گرایش: زبان و ادبیات فارسی، ادبیات کودک و

نوجوان

استاد راهنما: دکتر مرتضی خسرو نژاد

تاریخ دفاع: 1391/07/29

### شگردهای تمرکززدایی در قصه‌های ایرانی

پژوهش حاضر با هدف یافتن ژرف‌ساخت‌های تمرکززدایانه به سراغ افسانه‌های عامیانه‌ی ایرانی رفته‌است تا با واکاوی آن‌ها این ظرفیت‌های نهفته را آشکار سازد. تمرکززدایی، بنابر یافته‌های پیازه اصلی‌ترین ویژگی ذهنی کودک است و بنابر پیشنهاد خسرو نژاد (1382) در قالب شگردهایی ویژه در ادبیات کودک نمود می‌یابد. ضرورت چنین پژوهشی، در ادامه‌ی نظریه‌ی معصومیت و تجربه، کمک به استقلال بخشیدن به ماهیت ادبیات کودک است. در این پژوهش ۳۰ افسانه از افسانه‌های انجوی شیرازی برگزیده و با روش تحلیل محتوای کیفی و تلفیقی از قیاس و استقرا، بر پایه‌ی نظریه‌ی معصومیت و تجربه، کاویده شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از میان شگردهای تمرکززدایانه‌ی معصومیت و تجربه، شگردهای «اغراق» و «پایان خوش» در همه‌ی این افسانه‌ها وجود داشتند و شگرد «نمای دور و نزدیک» در هیچ‌یک از افسانه‌ها یافت نشد. جلوه‌های تازه‌ی تمرکززدایی در افسانه‌های انجوی شیرازی در قالب 1۳ شگرد به دست آمدند که عبارت‌اند از: یک صحنه با دو نما، صحنه‌های هم‌زمان، نمای باز و نمای بسته، زنجیره‌ی رخ دادها (خوشاقبالی و بداقبالی)، رگبار وارونگی، جابه‌جایی قهرمان، چندمجلسی، غافل‌گیری، مناظره، برچسب (متضاد یا هم‌سان)، قصه در قصه، قصه‌های زنجیره‌ای و دگردیسی. آنچه در همه‌ی این شگردها تمرکززدایی را سبب می‌شد، نوعی حرکت و غفلت‌زدایی یا انتظار شکنی بود.

واژگان کلیدی: تمرکززدایی، تمرکزگرایی، افسانه، پیازه.